

ادبیات پایداری و مبانی علمی تحلیل و طبقه بندی آن

محمد شریعتی

چکیده:

در این مقاله سعی بر آن شده است در وهله ی اول ضمن بررسی تعاریف ادبیات و پایداری ، ذهن مخاطب متوجه نوع ادبیات پایداری از دیدگاه خاص و در ارتباط با دفاع مقدس بشود. و سپس با طبقه بندی آثار مربوط به دفاع مقدس ، آثار به جا مانده و آثار در حال تولید ، مبانی کلام (از قبیل مبنای فردی، زمانی ، جغرافیایی، سیاسی اجتماعی و در مجموع ، سیاق سخن) و عوامل دیگر موثر در شکل گیری ادبیات موجود و آثاری معرفی شود که قرار است در آینده تولید شود تا چهارچوبی مشخص و علمی برای درک روشن ، طبقه بندی و ارائه مناسب تعریف گردد.

مقدمه:

به دلیل این که ادبیات و پایداری هر کدام ، انواع و تعاریفی دارد ، چه برای اشخاص مختلف و چه در ارتباط با موقعیت ها یا کاربرد های متفاوت ، لازم است مروری بر بعضی از تعاریف بشود تا پس از آن بتوان در مورد نوع ادبیات پایداری و این که در موقعیت مورد نظر ما یعنی دفاع مقدس کدام نوع کاربرد دارد، بحث کرد. علاوه بر آن از آن جا که ماده ی تشکیل دهنده ادبیات ، متن گفتمان است (بین نویسنده و خواننده یا گوینده و شنونده) و این که هم برای درک کلام و هم برای تولید و انتقال آن ، شناخت مبانی کلام و سیاق سخن لازم است معرفی این مبانی بخش دیگری از این کار را تشکیل می دهد. بنابراین در این نوشتار تعریف واژگان (ادبیات و پایداری) بخشی از اصل کار را تشکیل می دهد؛ چرا که مبنای تحلیل و تولید ادبیات پایداری ، تعریف روشن آن است . پس از آن مبانی زبانشناختی کلام – به عنوان معیارهای تحلیل و ارائه- معرفی شده است.

پیشینه:

در مورد ادبیات پایداری ، با ترجمه ی انگلیسی *resistance literature* در منابع به موارد زیر بر می خوریم:

الف. مقاومت در مورد گفتمان موجود قبل از استعمار در دوره ی بعد از آن و شکل گیری جنبش های ادبی که با این نگاه یانگ (۱۹۹۹) گفته است: «جنبش ادبی فقط بر اساس دوران و محل جغرافیایی تعریف نمی شود بلکه بر مبنای سبک نوشتار و تاثیرات سیاسی و اجتماعی آن شناخته می شود» مثالی هم که در این خصوص ارائه شده

ادبیات رمانتیک در بریتانیا است که از نیمه قرن دوم تا اوایل قرن نوزدهم تولید می شد و ادبیات ویکتوریایی در قرن نوزدهم که ویژگی های عصر شکوفایی را داشت.

یانگ بحث می کند که چگونه یک رمان دوران بعد از استعمار به نمایندگی از ملت خود به عنوان نماد مقاومت عمل می کند و این که صاحبان این آثار ، زندگی یک ملت تازه استقلال یافته را به تصویر می کشند؛ بر علیه ظلم استعمار گران صحبت می کنند؛ آرزوی بازگشت به وضعیت مطلوب قبل از استعمار را دارند و ... از سوی دیگر ، شولتز (۲۰۰۴) در نقد خود چنین اظهار می کند که: «ظهور اندیشه های پسامدرن در ادبیات آموزشی درک استضعاف و مقاومت را پیچیده کرده است.»

ب. مقاومت در برابر مطالعه و یادگیری برخی متون؛ به عنوان مثال لاورنس و مگوایر (۲۰۰۶) می گویند: «کودکان اغلب جذب داستان ها می شوند اما گاهی در برابر بعضی متون مقاومت نشان می دهند.» نویسندگان این مطلب شش نوع مقاومت بچه ها را در برابر داستان ها معرفی کرده اند.

ج. آموزش و آشنا ساختن فراگیران با جنبش های پایداری و حرکت : آکوستا (۲۰۰۷) دانش آموزان را در گیر ادبیاتی می کند که منعکس کننده ی زندگی ، خانواده و تاریخ ایشان است و با این عمل سعی می کند که ضمن رویارویی با مباحث استضعاف و دستیابی به خود آگاهی نقادانه و آشنایی با جنبش های مقاومت ، ویژگی های آکادمیک را به تصویر کشیده بر آن ها صحنه بگذارد.

در مورد ادبیات جنگ war literature این طبقه بندی ها وجود دارد:

شاعران جنگ

روزنامه نگاران جنگ

روزنامه ها و مجلات

روزنامه نگاری و سانسور

نویسندگان و جنگ

بنابراین باید دست اندرکاران برای انتخاب معادل ها در زمانی دقت کنند که مخاطب آنان مردم جهان هستند.

روش شناسی:

همان گونه که قبلا اشاره شد در این متن ابتدا تعاریف واژه های ادبیات و پایداری ، ارائه ، و ضمن بررسی آن ها تعریف ادبیات پایداری با کاربرد خاص یعنی در ارتباط با انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مشخص شده است. سپس در یک بخش ، آثار مربوط به صورت عام طبقه بندی ، و در پی آن ، مبانی تحلیل کلام ، که خمیر مایه ادبیات است ، معرفی ، و بر اساس آن ها فرهنگ ایثار در ارتباط با فلسفه اخلاق تعریف شده است.

تعریف واژه ها:

ادبیات

همان طور که قبلا اشاره شد ، ادبیات تعاریف مختلفی برای اشخاص و کاربرد های مختلف دارد. به چند مورد آن در این جا اشاره می شود:

در دانشنامه ی بریتانیکا چنین آمده است: مجموعه ای از آثار مکتوب . این نام در عرف به آثار تخیلی در قالب شعر و نثر داده شده که از نظر اهداف مولفان و برجستگی خلق زیبایی شناسانه آن ها متمایز شده است. ادبیات را می توان طبق نظام های مختلف زبان ، منشاء ملی ، دوره ی جغرافیایی، نوع ادبی (ژانر) و موضوع... طبقه بندی کرد.

همین مطالب در جایی دیگر چنین گفته شده است : مجموعه ای از آثار مکتوب که از نظر موضوع ، زبان ، محل تولید و یا معیار های بارز فرهنگی با هم ارتباط دارد.

در دانشنامه ی ویکیپدیا این تعاریف هم آمده است:

-هر اثر نمادین

-هر متنی که با حروف تنظیم شده باشد.

-مجموعه ای از رمان ها ، داستان ها ، اشعار و ... که موضوعی خاص را در بر دارد. با توجه به این موارد ، ادبیات به یک معنی پیشینه عملی و نظری هر موضوع است و معمولا در مقالات تحقیقی از این مفهوم استفاده می شود. نکته ی دیگر این که ادبیات می تواند خاص ملت ، گروه ، مکتب فلسفی و یا دوره ی تاریخی باشد.

پایداری

تعاریف پایداری هم مانند ادبیات بر مبنای کاربرد مشخص می شود؛ لذا بهتر است به انواع استفاده های کلمه از جمله دو مورد اصلی زیر توجه شود: ۱. از نگاه روانشناختی. ۲. از نگاه سیاسی.

از نگاه اول پایداری چنین تعریف شده است: «مقاومت در برابر آن چه موقعیت فرد را به خطر اندازد». هر چیز که بخواهد وارد حریم باورهای فرد بشود با مخالفت او روبه رو می شود. آدمی همیشه سعی می کند که از راه های مسالمت آمیز با دیگران (از نظر فکری) کنار بیاید. اما اگر کسی بخواهد به هر دلیل خدشه ای به باور های او وارد کند محکم جلوی او می ایستد. از نگاه دوم (سیاسی) پایداری این گونه تعریف شده است: «مقاومت در برابر نیروهای خارجی به منظور بی اثر کردن نقشه های آن ها».

از آن جا که پایداری مردم ما در مبنای ایدئولوژیک است، لذا برای جلوگیری از به خطر افتادن نظام و ارزش ها صورت گرفته است که به نوعی با روان انسان های معتقد و مومن به ایدئولوژی ارتباط دارد. از سوی دیگر در عمل، این مقاومت در برابر نیروهای خارجی و به منظور بی اثر کردن نقشه های دشمنان بوده است که جنبه سیاسی به خود می گیرد.

ادبیات پایداری:

در مجموع می توان گفت که ادبیات پایداری (مورد نظر همایش) مجموعه ای از مکتوبات و یا نوشته های موجود در سینه ها (خاطره نگاری زندگی نامه و ...) است که محور آن ها پایداری باشد؛ از قبیل پایداری در مقابل دشمن نفس و یا پایداری در مقابل دشمنان باورهای ما و غاصبین حقوق و مملکت ما و یا خلاق و ابتکاری است و با معیار های زیبایی شناسی که می تواند به خودی خود ارزشمند باشد؛ مثل بعضی از داستان ها و یا هدف عالی تری را دنبال کند مثل کلیله و دمنه در فارسی و قلعه ی حیوانات در انگلیسی و این یعنی همان طور که همیشه نمی توان که به ظاهر و روبنای متن اکتفا کرد، همیشه هم نمی توان از ادبیات توقع ارائه حقایق پوشیده داشت به طوری که حتی در کلام خداوند هم تقسیم بندی محکمت و متشابهات وجود دارد.

روشهای تحلیل طبقه بندی و تولید آثار:

الف. معیارهای عام

بنابر آن چه گفته شد، آثار به جا مانده از ایثارگران را می توان بر اساس معیار های عام در گروه های زیر طبقه بندی کرد:

-انواع آثار ادبی:

* آنچه از خود ایثار گران به جا مانده است.

* آنچه دیگران نوشته اند.

-گفتمان سیاسی

-مهندسی جنگ

آنچه از خود ایشان باقی مانده است مثل نامه ها، وصیت نامه ها، یادداشت ها، اشعار، مصاحبه با رسانه، آثار مربوط به آزادگان و... که همه ی آنها می تواند از نوع اطلاع رسانی و یا از نوعی باشد که اهداف دیگری در آن ها نهفته است و آنچه دیگران نوشته اند مثل مجموعه آثار، زندگی نامه، حکایات و...

گفتمان سیاسی در ادبیات پایداری فقط به گروه خاص مربوط نمی شود. بلکه تمام مطالب مربوط چه در زمان جنگ و چه بعد از آن تا کنون - و البته در ارتباط با پایداری - در این گروه قرار می گیرد؛ از جمله می توان به سخنرانی ها، مصاحبه ها، فرمان ها، احکام عزل و نصب و... اشاره کرد.

در ارتباط با مهندسی جنگ چه در جبهه ها و به طور خاص طرح و برنامه ریزیهای مربوط به جنگ دستورالعمل ها و چه توجیه مسایل برای مردم ایران و یا جهان مواردی است که در این گروه قرار می گیرد.

گرد آورندگان آثار باید در طبقه بندی آنها نهایت دقت را به عمل آورند و این دقت در مورد آفرینندگان آثار جدید حساسیت بیشتری لازم دارد، چرا که باید به بعد دوم آن (زیبایی شناسی) بپردازند و آثار ایشان بیان کننده زیبایی های هدف (در این مورد مقاومت) باشد؛ باید انواع ادبی را وسیله گسترش فرهنگ ایثار قرار دهند به گونه ای که برای مخاطب عام قابل درک و با ارزش باشد؛ به عنوان مثال، اگر گروه اول صرفاً برای معرفی افراد شخصیتی یک فرد اشعار او را جمع آوری و چاپ می کنند، بگوییم او شاعر بود و مثلاً در مقدمه ای با زیبایی شناسی نسبی لیلی را از چشم مجنون معرفی کنیم و یا در بعدی عمیق تر شعری بسراییم که ابعاد شخصیتی و دیدگاه های ایثار گران را با معیارهای عام و شیوه های قابل درک برای همه ارائه دهد؛ یعنی اثر نمادین ایجاد کنیم یا رنگ زیبای آن را همه به فراخور حال خویش درک کنند؛ الگویی بشود که مانند شعر سعدی نه تنها بر سر در سازمان ملل متحد درج گردد بلکه در متن اذهان و بطن قلوب عالمیان جای گیرد.

قبل از هر چیز باید توجه داشت که مخاطبان آثار این چینی چه کسانی می توانند باشند . به طور اجمال می توان آنها را در جدول زیر طبقه بندی کرد:

مخاطب	زمان	زمان
مردم ایران	همزمان با دوران مقاومت	زمان حاضر یا هر زمان دیگر
مردم دنیا	همزمان با دوران مقاومت	زمان حاضر یا هر زمان دیگر

بر این اساس به طور تخصصی تر , کسانی که اقدام به ایجاد آثار در زمینه ادبیات پایداری می کنند باید مبانی مختلف را مد نظر داشته باشند.

معیارهای تخصصی تحلیل کلام

از آنجا که اولین برخورد با آثار باقی مانده تحلیل و تفسیر آنهاست , باید گردآورندگان آثار و نویسندگان محترم با معیار های تحلیل کلام آشنا باشند. باید بدانند عوامل مختلفی هست که مبنای تولید کلام است و مخاطبان نمی توانند بدون شناخت آنها در مورد مفهوم کلام تصمیم درستی بگیرند؛ به عبارت دیگر فردی که به گردآوری آثار اقدام , و یا به آفرینش آثار جدید بر مبنای آثار مذکور اقدام می کند خود باید به عنوان اولین مخاطب صاحبان آثار از مبانی کلام سر در بیاورد؛ چرا که لازمه شکل گیری بافت کلامی و یا گفتمان موثر بین دو یا چند نفر , شناخت مبانی است؛ به عبارت دیگر باید مبانی زبانشناختی و مبانی نگارشی در گفتمان و عوامل شناخته شده و موثر در شکل گیری و درک گفتمان را شناخته و با درک و ملاحظه مخاطب , که از اجزای اولیه است به طبقه بندی آثار موجود و یا آفرینش آثار جدید اقدام کند.

مبانی تحلیل گفتمان:

همان طور که اشاره شد برای ایجاد بافت کلامی مبتنی بر درک متقابل بین گوینده یا نویسنده و مخاطب , باید طرفین از مبانی کلام شناخت نسبی داشته باشند تا بتوانند برای انتقال آن به دیگران نیز به همین منوال وضعیت را برای مخاطبان بعدی به وجود آورند . از نظر گری گوری مبانی زبان , که وسیله ی گفتمان است به شرح زیر است:

-محدوده موقت زمانی : برهه ی خاصی زمانی که اثر در آن تولید شده است.

-محدوده جغرافیایی: وضعیت محدوده ی جغرافیایی که در آن رشد کرده و از آن در تولید اثر تاثیر پذیرفته است.

-محدوده ی سیاسی اجتماعی: این که صاحب اثر در آن زمان به چه گروه سیاسی اجتماعی تعلق داشته است.

-ویژگی های فردی: از آن جا که هر فرد با افراد دیگر فرق دارد خود فردیت او می تواند در تولید اثر تاثیر بگذارد و می گذارد.

اولین نتیجه ای که می گیریم این است که وقتی آثار به جا مانده را مطالعه می کنیم باید قبل از هر برداشت و تفسیر برای طبقه بندی و یا هر منظور دیگر توجه کنیم که چه فردی اهل کجا در چه برهه ای از زمان و در چه وضعیت سیاسی و اجتماعی اثر یا آثار را تولید کرده است.

مثلا قبل از هر گونه اظهار نظر در مورد این که چرا و چگونه شاعری مثل حافظ گفته است: «احمد ... علی معده السلطانی» باید مبانی کلام او را در وضعیت خاص برآورد کنیم. یا این که در زمانی که گفتن مرگ بر صدام همگانی بود چطور شد که همین عبارت از زبان یک رزمنده در تاریخ و جهان ماندگار شد؟ آیا برای این بود که این فرد در منطقه ای محروم بزرگ شده بود و لحن کلامش با دیگران فرق می کرد یا برای این که در منطقه ای خاص از جبهه این حرف را می زد یا برای این که در دست صدامیان اسیر بود و یا به دلیل وضعیت سیاسی - اجتماعی او و آن زمان؟ کدام یک؟ اصلا چرا این فرد به تولید چنین اثری اقدام کرد؟ برای ماندگاری خودش؟ برای وطنش؟ برای این که باورهایش زیر سوال بود؟ برای چه؟

این که: چرا شهسواری چنین گفت و چرا گفته اش ماندگار شد، دو سوال است که با کمک مبانی کلام به پاسخ آن ها می توان رسید. هرچند ممکن است در ظاهر اسم این مبانی را ندانیم و یا به تعبیری دانش اجرایی داشته باشیم و عملا و ناخود آگاه به آن عمل کنیم ولی دانش ماهوی و تعریفی و آگاهانه نداشته باشیم.

بنابراین در برخورد با کلام حتی در وضعیت گفتگوی رو در رو یا ترجمه ی هم زمان، حداقل باید از سیاق سخن گوینده شناخت داشته باشیم. سیاق سخن به مفهوم شناخت عام از موقعیت در زمینه ی بخصوص است؛ مثلا بدانیم که این سیاق سخن حقوق دانان، ادیبان، و یا فیزیک دانان است و نیز بدانیم که سیاق سخن ادیبان در زمان سعدی چه بوده است و با زمان حاضر چه فرقی دارد که این خود به بحث در زمانی و هم زمانی سوسور از دیدگاه زبان شناسی مربوط می شود.

نکته آخر این که چنان که در بالا اشاره شد و از بدیهیات است، شناخت مخاطب از شروط لازم انتقال کلام است. بنابراین آنچه گفته شد باید صاحب اثر بداند چه کسی را (با همه مبانی که گفته شد) مورد خطاب قرار می دهد. البته نسبت زبانشناختی باید مد نظر باشد و مخاطب را با زبان خودش باید مورد خطاب و حتی مورد نقد قرار دهد که به قول مولوی چون که با کودک سر و کارت فتاد /هم زبان کودکی باید گشاد.

به طور اختصار و به عنوان نمونه برای این که بدانیم تعریف پایداری از دیدگاه ایثارگر چیست، مطلب را با نگاهی به نوع عملکرد او در برخورد با مبانی فلسفه اخلاق به پایان می بریم.

از دیدگاه فلسفه اخلاق و ارتباط انسان ها با یکدیگر، انسان ها نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی دارند. در این مورد می توان به طبقه بندی های فیلسوف آلمانی قرن هفدهم پافندرف اشاره کرد و همین طور به دیدگاه فیلسوف انگلیسی - جان لاک و یا کانت در حالی که همه ی افراد جامعه ، وظیفه پایداری در مقابل ورود بیگانگان به حریم های مادی و معنوی آن جامعه را دارند، تک تک ایشان حق زندگی و بهره مندی از همه ی مزایای آن را هم دارند. ایثارگران از حقوق خود برای دفاع از حقوق دیگران می گذرند و از کسی در مقابل ، چیزی طلب نمی کنند و این یعنی پایداری به معنای استقامت در برابر مصائب برای دیگران.